

کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰۰ تومان

تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گرگان، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

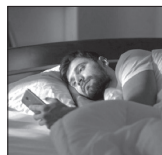
تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

شبکه‌های اجتماعی و توهم اکثریت:
وقتی عددها قانع کننده می شوند



۲

خوابی که میان خبرها
گم می شود



۳

بقای معیشت در برابر قانون
«یادداشت»



۴

یادداشت اول

تولید را قربانی نکنیم

■ فاطمه سروانی

هرگاه سخن از مشکلات معیشتی به میان می آید، نخستین مطالبه کاهش قیمت‌ها و ارزان‌تر شدن کالاهاست. مطالبه‌ای کاملاً طبیعی؛ زیرا خانواده‌ای که هر روز بخشی از قدرت خرید خود را از دست می‌دهد، بیش از هر چیز نگران تأمین نیازهای روزمره زندگی است. اما پرسش اساسی اینجاست که هزینه این حمایت از کجا باید تأمین شود؟ آیا راه‌حل آن است که تولیدکننده را وادار کنیم بخشی از بار کاهش قدرت خرید جامعه را بر دوش بکشند؟ در نگاه نخست، چنین سیاستی شاید به نفع مصرف‌کننده به نظر برسد، اما در واقعیت اقتصادی، این مسیر بیش از آنکه راهگشا باشد، به تضعیف یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد ملی منجر خواهد شد. تولیدکننده ایرانی امروز در شرایطی فعالیت می‌کند که با افزایش مداوم هزینه‌های تأمین مواد اولیه، رشد هزینه‌های حمل‌ونقل، محدودیت‌های مالی، نوسانات نرخ ارز و دهها مانع دیگر دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین فضایی، تحمیل هزینه‌های جدید به بخش تولید، نه حمایت از مردم، بلکه انتقال یک بحران از بخشی به بخش دیگر اقتصاد است. اقتصاد قواعد خود را دارد. نمی‌توان انتظار داشت تولیدکننده با هزینه‌های رو به افزایش فعالیت کند اما محصول خود را با قیمت‌هایی عرضه کند که هیچ تناسبی با واقعیت‌های بازار ندارد. نتیجه چنین رویکردی نیز از پیش روشن است؛ کاهش سرمایه‌گذاری، افت تولید، کاهش اشتغال و در نهایت کمبود کالا و افزایش بیشتر قیمت‌ها. در این چرخه معیوب، بازنده نهایی نه فقط تولیدکننده، بلکه همان مصرف‌کننده‌ای است که قرار بود مورد حمایت قرار گیرد. آنچه در بسیاری از اقتصادهای موفق جهان مشاهده می‌شود، حمایت همزمان از تولید و مصرف است. نه قربانی کردن یکی به سود دیگری. دولت‌ها برای حفظ قدرت خرید شهروندان از ابزارهای حاکمیتی بهره می‌گیرند؛ از مهار تورم و اصلاح نظام مالیاتی گرفته تا پرداخت یارانه‌های هدفمند، توسعه نظام تأمین اجتماعی و افزایش بهره‌وری اقتصادی. در این الگو، دولت نقش تنظیم‌گر را ایفا می‌کند و اجازه نمی‌دهد فشارهای معیشتی مستقیماً بر دوش بنگاه‌های تولیدی منتقل شود. نکته‌ای که در هیاهوی مباحث روزمره اقتصادی نادیده گرفته می‌شود این است که تولیدکننده و مصرف‌کننده دو جنبه مقابل یکدیگر نیستند. کارگری که در کارخانه مشغول به کار است، خود یک مصرف‌کننده است. کارآفرینی که برای توسعه کسب‌وکارش سرمایه‌گذاری می‌کند، در نهایت به دنبال ایجاد اشتغال و تولید ثروت برای جامعه است. آسیب دیدن هر حلقه از این زنجیره، به کل اقتصاد صدمه می‌زند.

ادامه در صفحه ۲



شهر جهانی فرهنگ‌ها در انتظار
بازارچه صنایع دستی

« ۸ »



استقبال کشاورزان گلستانی
از پرداخت زکات گندم

« ۷ »



بازرسی هوشمند مطالبه اصناف
از مسوولان

« ۵ »

رشد یار کود کشاورزی



همزمان با هفته جهاد کشاورزی امسال خبر داده است؛ خبری که در ظاهر می‌تواند نشانه تحرک و فعالیت در این بخش باشد. اما مسئله اصلی این نیست که چند پروژه افتتاح می‌شود؛ مسئله این است که این پروژه‌ها چه مشکلی را از دوش کشاورزان برمی‌دارند و چه تغییری در وضعیت تولید ایجاد خواهند کرد. واقعیت این است که بخش کشاورزی گلستان سال‌هاست از بیماری مزمنی به نام آمارگرایی رنج می‌برد؛ جایی که گاهی تعداد پروژه‌ها، میزان اعتبارات و حجم برنامه‌های اعلام‌شده بیشتر از نتایج ملموس آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. کشاورز اما با آمار زندگی نمی‌کند. او با هزینه تولید، قیمت فروش، دسترسی به آب، بازار مطمئن و درآمد واقعی زندگی می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

می‌کنند، اما هنوز این پرسش مطرح است که چه میزان از این سیاست‌ها به مرحله اجرا رسیده و چه نتایج قابل اندازه‌گیری به همراه داشته است؟ از سوی دیگر، گلستان با وجود ظرفیت بالای تولید، همچنان از کمبود صنایع تبدیلی و تکمیلی رنج می‌برد. بسیاری از محصولات استان، به صورت خام از استان سیب‌زمینی، به صورت خام از استان خارج می‌شوند و ارزش افزوده اصلی در نقاط دیگر ایجاد می‌شود. این در حالی است که توسعه واحدهای فرآوری، بسته‌بندی و صادرات می‌تواند هم اشتغال ایجاد کند و هم سهم بیشتری از سود را به تولیدکنندگان بازگرداند. تا زمانی که خام‌فروشی ادامه داشته باشد، کشاورز همچنان در پایین‌ترین حلقه زنجیره ارزش باقی خواهد ماند. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان از افتتاح ۷۰ پروژه بخش کشاورزی

چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از کشاورزان منطقه گنبدکاووس، جمله‌ای شنیدم که شاید بهتر از هر گزارش رسمی وضعیت موجود را توصیف کند. او گفت: محصول را ما تولید می‌کنیم، اما سودش را دیگران می‌برند. این جمله شاید ساده به نظر برسد، اما در دل خود بخشی از واقعیت اقتصاد کشاورزی استان را پنهان کرده است. تولیدکننده با افزایش قیمت بذر، کود، سم، سوخت و ماشین‌آلات مواجه است، اما هنگام فروش محصول، قدرت چندان برای تعیین قیمت ندارد. در کنار مشکلات اقتصادی، مسئله منابع آب نیز به نقطه حساسی رسیده است. کاهش بارندگی در سال‌های اخیر و افت سطح آب‌های زیرزمینی، زنگ خطر را برای بخش کشاورزی گلستان به صدا درآورده است. کارشناسان سال‌هاست بر ضرورت اصلاح الگوی کشت تأکید

مهران قجری- هر زمان سخن از کشاورزی کشور به میان می‌آید، نام گلستان نیز در فهرست استان‌های پیش‌تاز دیده می‌شود. از گندم گرفته تا مرغ و دانه‌های روغنی، این استان سهم قابل توجهی در تأمین امنیت غذایی کشور دارد. اما پشت این جایگاه مهم، واقعیتی وجود دارد که کمتر در آمارهای رسمی دیده می‌شود؛ واقعیتی که این روزها در بسیاری از نقاط استان قابل لمس است. کشاورزی گلستان سال‌هاست با مشکلاتی روبه‌روست که دیگر نمی‌توان آن‌ها را مقطعی یا ناشی از شرایط خاص دانست. مسئله آب، هزینه‌های تولید، بازار فروش و نبود صنایع فرآوری کافی، به چالش‌های مزمن این بخش تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی طبیعی است که کشاورزان از شنیدن آمارهای کلی درباره رشد تولید یا افزایش سطح زیرکشت، چنان احساس رضایت نکنند.

ادامه یادداشت اول

تولید را قربانی نکنیم

از این رو، سیاست اصولی آن است که حاکمیت به جای مداخله‌های مقطعی و انتقال هزینه‌ها به بخش تولید، بر درمان ریشه‌های کاهش قدرت خرید تمرکز کند. تورم مزمن، بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی، عوامل اصلی کوچک شدن سفره مردم هستند. تا زمانی که این مسائل حل نشود، فشار بر تولیدکننده تنها مسکنی کوتاه‌مدت خواهد بود که خود به بیماری‌های بزرگ‌تر اقتصادی منتهی می‌شود. حمایت از مردم یک ضرورت انکارناپذیر است؛ اما این حمایت زمانی پایدار خواهد بود که بر پایه تقویت توان اقتصادی جامعه بنا شود، نه بر تضعیف موتور

تولید کشور. اقتصاد زمانی به تعادل می‌رسد که قدرت خرید مردم افزایش یابد و تولیدکننده نیز بتواند با اطمینان، سودآوری و چشم‌اندازی روشن به فعالیت خود ادامه دهد. در غیر این صورت، هر سیاستی که یکی را فدای دیگری کند، دیر یا زود هزینه خود را بر کل جامعه تحمیل خواهد کرد. حقیقت این است که رفاه پایدار از مسیر تولید می‌گذرد. اگر قرار است سفره مردم بزرگ‌تر شود، باید چرخ تولید روان‌تر بچرخد؛ نه اینکه برای جبران مشکلات معیشتی، دست در جیب همان بخشی کنیم که وظیفه خلق ثروت، اشتغال و رشد اقتصادی را بر عهده دارد.

ادامه تیر اول

اگر این پروژه‌ها بتوانند مصرف آب را کاهش دهند، بهره‌وری را افزایش دهند، صنایع فراوری را توسعه دهند و زنجیره ارزش محصولات کشاورزی را تکمیل کنند، بدون تردید باید از آن‌ها استقبال کرد. اما اگر صرفاً به فهرست افتتاح‌ها اضافه شوند و تأثیر محسوسی بر زندگی تولیدکنندگان نداشته باشند، نمی‌توان آن‌ها را نشانه موفقیت واقعی دانست. آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، شفافیت در ارائه عملکردهاست. کشاورزان حق دارند بدانند چه میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی جذب شده، چند پروژه زیرساختی به بهره‌برداری رسیده، چه اقداماتی برای افزایش بهره‌وری

آب انجام شده و این اقدامات چه نتایج ملموسی داشته‌اند. پاسخ به این پرسش‌ها نباید در قالب کلیات و شعارها ارائه شود؛ بلکه باید با شاخص‌های دقیق، آمار قابل راستی‌آزمایی و گزارش‌های شفاف همراه باشد. واقعیت این است که کشاورزی گلستان در یک پیچ تاریخی قرار گرفته است. ادامه روندهای گذشته نمی‌تواند پاسخگوی چالش‌های امروز باشد. اگر قرار است این استان همچنان یکی از قطب‌های کشاورزی کشور باقی بماند، باید فاصله میان گزارش‌های اداری و واقعیت‌های مزرعه کاهش یابد. کشاورزان بیش از هر زمان دیگری به برنامه‌های

عملیاتی، تصمیم‌های مؤثر و نتایج ملموس نیاز دارند؛ زیرا آینده تولید در گلستان نه در سالن‌های جلسات و پشت تریبون‌های رسمی، بلکه در زمین‌هایی رقم می‌خورد که صاحبانشان هر روز با هزینه بیشتر، نگرانی بیشتر و امید کمتر به کار ادامه می‌دهند. شاید امروز مهم‌ترین مطالبه جامعه کشاورزی گلستان از مدیران این باشد که به جای شمارش پروژه‌ها، اثرات آن‌ها را گزارش کنند؛ زیرا آنچه امنیت غذایی آینده را تضمین می‌کند، تعداد ریان‌های بریده‌شده نیست، بلکه پایداری تولید، رضایت تولیدکننده و ماندگاری کشاورز بر سر زمین خود است.

شبکه‌های اجتماعی و توهم اکثریت؛

وقتی عددها قانع کننده می‌شوند

اخبار جعلی، کمک می‌کند کمتر گول بخوریم. خود پلتفرم‌ها هم مسئول‌اند. اگر شفاف‌تر عمل کنند و جلوی پخش اطلاعات نادرست را بگیرند، فضای سالم‌تری ایجاد می‌شود.

وقتی محبوبیت جای حقیقت را می‌گیرد

عددها در شبکه‌های اجتماعی خیلی تأثیرگذارند. لایک‌ها، بازدیدها و کامنت‌ها می‌توانند بدون اینکه متوجه شویم، نظر ما را عوض کنند. وقتی می‌بینیم هزاران نفر یک مطلب را پسندیده‌اند، ناخودآگاه فکر می‌کنیم حتماً درست و قابل اعتماد است. این همان خطای اکثریت است که باعث می‌شود محبوبیت را با حقیقت اشتباه بگیریم. در حالی که واقعیت این است که خیلی وقت‌ها مطالب نادرست، هیجانی یا حتی گمراه‌کننده بیشتر دیده می‌شوند. چون ساده‌ترین، احساسات را تحریک می‌کنند یا جنجال به پا می‌کنند. در مقابل، مطالب دقیق و علمی معمولاً آرام‌تر و کم‌سروصداتر هستند و کمتر دیده می‌شوند. ما به عنوان کاربران شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی داریم. هر کلیک، هر لایک و هر بازنشر، می‌تواند به پخش یک فکر درست یا نادرست کمک کند. اگر بدون فکر چیزی را منتشر کنیم، شاید ناخواسته باعث گسترش شایعه، ترس، ناهیلی یا اطلاعات غلط شویم. گاهی چند دقیقه فکر کردن و جست‌وجوی ساده در اینترنت، می‌تواند ما را از یک اشتباه بزرگ نجات دهد. به همین دلیل، مهم است که یاد بگیریم کمی مکث کنیم. لازم نیست به هر چیزی فوراً واکنش نشان دهیم. گاهی چند دقیقه فکر کردن و جست‌وجوی ساده در اینترنت، می‌تواند ما را از یک اشتباه بزرگ نجات دهد. همچنین باید بپذیریم که اشتباه کردن طبیعی است. ممکن است ما هم قبلاً محتوایی را باور کرده یا منتشر کرده باشیم که درست نبوده است. مهم این است که از تجربه‌ها یاد بگیریم و در آینده آگاهانه‌تر رفتار کنیم. در دنیای امروز که اطلاعات با سرعت نور پخش می‌شوند، داشتن ذهن پرسشگر یک مهارت مهم است. کسی که سؤال می‌پرسد، دنبال منبع می‌گردد و کورکورانه دنبال‌رو جمع نمی‌شود، کمتر فریب می‌خورد. اگر هر کلام از ما تلاش کنیم آگاه‌تر باشیم، فضای مجازی هم کم‌کم سالم‌تر می‌شود. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند ابزار یادگیری، ارتباط و رشد باشند، به شرطی که اجازه ندهیم عددها به جای عقل و فکر ما تصمیم بگیرند. در نهایت، باید به یاد داشته باشیم که «پرطرفدار بودن» با «درست بودن» فرق دارد. حقیقت همیشه شلوغ‌ترین صفا را ندارد اما ارزشمندترین است. آینده فضای مجازی، بیش از هر چیز، به انتخاب‌های آگاهانه ما بستگی دارد.



هستند، زود پخش می‌شوند. اما مطالب دقیق و کارشناسی معمولاً کمتر دیده می‌شوند، چون فهمیدنشان سخت‌تر است.

نقش ما کاربران چیست؟

هر بار که یک پست را لایک می‌کنیم یا بازنشر می‌دهیم، در پخش آن سهم داریم. اگر بدون فکر کاری را منتشر کنیم، ممکن است ناخواسته به گسترش اطلاعات غلط کمک کنیم. به همین دلیل، داشتن سواد رسانه‌ای خیلی مهم است. یعنی یاد بگیریم قبل از باور کردن یا پخش کردن یک مطلب، کمی فکر کنیم. سؤال‌هایی مثل این مفیدند: این مطلب را چه کسی گفته؟ منبعش چیست؟ هدفش چیست؟ آیا جای دیگری هم تأیید شده؟ چگونه تحت تأثیر عددها قرار بگیریم؟ اولین قدم این است که بدانیم مغز ما ممکن است فریب بخورد. وقتی آگاه باشیم، راحت‌تر مقاومت می‌کنیم. دوم اینکه تمرین کنیم زود قضاوت نکنیم. قبل از باور کردن، کمی جست‌وجو کنیم و نظر افراد متخصص را بخوانیم. سوم اینکه استفاده از شبکه‌های اجتماعی را مدیریت کنیم. کمتر اسکرول بی‌هدف کنیم و وقت بیشتری به فکر کردن اختصاص دهیم.

نقش آموزش و رسانه‌ها

مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها می‌توانند به مردم یاد دهند چگونه با اخبار و اطلاعات برخورد کنند. آشنایی با خطاهای ذهنی و

بازدید بالا بگیرد، باز هم به افراد بیشتری نمایش داده می‌شود. به این ترتیب، یک چرخه شکل می‌گیرد؛ محتوای پرطرفدار، پرطرفدارتر می‌شود. حتی اگر اشتباه یا گمراه‌کننده باشد. همین موضوع باعث می‌شود بعضی شایعات خیلی سریع پخش شوند.

نمونه‌هایی از خطای اکثریت در زندگی روزمره

یکی از جاهایی که این خطا زیاد دیده می‌شود، در پخش شایعات است. خیلی وقت‌ها یک خبر نادرست فقط به خاطر اینکه زیاد بازنشر شده، واقعی به نظر می‌رسد. در حوزه سلامت هم این موضوع خطرناک است. بعضی درمان‌های غیرعلمی یا رژیم‌های عجیب، میلیون‌ها بازدید دارند. بعضی افراد فقط به خاطر همین محبوبیت، آن‌ها را امتحان می‌کنند و به خودشان آسیب می‌زنند. در مسائل اجتماعی و سیاسی هم گاهی گروه‌هایی با حساب‌های جعلی، وانمود می‌کنند که افراد زیادی طرفدار یک نظر هستند، تا بقیه را هم با خودشان همراه کنند.

محبوب بودن با معیار بودن فرق دارد

خیلی مهم است بدانیم هر چیزی که معروف است، درست نیست. و هر چیزی که درست است، لزوماً معروف نمی‌شود. بعضی محتواها چون هیجانی، جنجالی یا خیلی ساده

هزاران لایک، میلیون‌ها بازدید و صدها کامنت زیر یک پست، خیلی وقت‌ها برای قانع شدن ما کافی است. بدون اینکه تحقیق کنیم، تصور می‌کنیم هرچه پرطرفدارتر است، حتماً درست‌تر هم هست. به گزارش ایرنا زندگی، امروز بیشتر ماهر روز ساعت‌ها در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخیم و ویدئوهایی با میلیون‌ها بازدید می‌بینیم. پست‌هایی با هزاران لایک می‌خوانیم و زیر مطالب مختلف، صدها نظر مشاهده می‌کنیم. ناخودآگاه با خودمان می‌گوییم: «اگر این همه آدم پسندیدن، حتماً درسته» اما همیشه این طور نیست. درست همین جا پای یک خطای ذهنی به میان می‌آید که به آن «خطای اکثریت» می‌گویند.

عددها چه پیامی به ما می‌دهند؟

در شبکه‌های اجتماعی، عددها خیلی مهم‌اند؛ تعداد لایک، بازدید، فالوئر و کامنت. این عددها به ما حس می‌دهند که یک محتوا چقدر مهم یا قابل اعتماد است. وقتی می‌بینیم یک ویدئو دو میلیون بار دیده شده، قبل از اینکه حتی آن را کامل ببینیم، فکر می‌کنیم حتماً چیز خوبی است. ذهن انسان دوست دارد راه ساده را انتخاب کند. به جای اینکه هر مطلبی را دقیق بررسی کند، به همین عددها تکیه می‌کند. این کار باعث می‌شود سریع تصمیم بگیریم، اما همیشه تصمیم درستی نیست.

خطای اکثریت یعنی چه؟

خطای اکثریت یعنی ما چیزی را فقط به این دلیل قبول کنیم که خیلی‌ها آن را قبول کرده‌اند. یعنی به جای فکر کردن مستقل، دنبال نظر جمع برویم. مثلاً اگر ببینیم بیشتر مردم یک نظر خاص دارند، ممکن است حتی اگر مطمئن نباشیم، با آن‌ها همراه شویم. دلیلش این است که انسان دوست دارد شبیه بقیه باشد و از جمع عقب نماند.

چرا مغز ما فریب می‌خورد؟

وقتی می‌بینیم یک محتوا خیلی لایک دارد، مغز ما احساس خوبی پیدا می‌کند. انگار با خودش می‌گوید: «این کار درست است، چون بقیه هم تأییدش کرده‌اند». از طرف دیگر، اگر یک مطلب با عقیده‌های قبلی ما هماهنگ باشد و در عین حال محبوب هم باشد، خیلی راحت آن را باور می‌کنیم. حتی ممکن است اصلاً دنبال منبع و دلیل نرویم.

نقش الگوریتم‌ها در پررنگ شدن عددها

شبکه‌های اجتماعی طوری طراحی شده‌اند که مطالب پرطرفدار را بیشتر نشان دهند. یعنی اگر یک پست

حوزه های سبب زمینی است لذا بنظر می رسد مشکل بازرگانی سبب زمینی حل میشود که :

+ دبیرخانه دائمی سبب زمینی در ذیل اتاق بازرگانی تأسیس گردد (در نوشتار آتی بیشتر خواهیم نوشت)

+ تأسیس خانه سبب زمینی برای اولین بار در کشور در ذیل اتاق بازرگانی (با سازوکار جداگانه درخصوص اهمیت و ضرورت آن در نوشتار آتی خواهیم نوشت)

+ دستگاه های متولی « دولتی و بخش خصوصی » معرفی گردند.

+ شرح وظایف دستگاه ها متناسب با جایگاه حقوقی و با لحاظ تقویم اجرایی تبیین و تدوین گردد

+ آسیب شناسی کامل و جامع به همراه پیشنهادات در حوزه بازرگانی جهت رفع مشکل ارائه گردد

+ برنامه ریزی سالیانه تنظیم گردد

+ ارزیابی دستگاه ها و پاسخگویی آنها در برنامه کاری دبیرخانه سبب زمینی قرار گیرد

+ انسجام بخشی بخش دولتی دوچندان گردد

+ در دبیرخانه سبب زمینی کلیه ظرفیت های بازرگانی « تازه خوری ؛ صنایع فرآوری ؛ صادراتی و... » بازشناسی تا کمترین چالش بروز نماید.

کارشناس بازنشسته کشاورزی

در زنجیره این محصول؛ حوزه تولید کاملاً در محدوده بخش خصوصی تعریف شده؛ در یک ارزیابی اولیه انصافاً بخش خصوصی و کشاورزان وظایف خود را بخوبی انجام میدهند و در محدوده بازرگانی هم تمام تلاش خود را مصروف نظم بخشی و متعادل کردن بازار انجام میدهند. منتهی گاهی بعلافت افزایش سطح زیر کشت در استان و یا سایر استان ها و یا همچنین افزایش تولید؛ تعادل بازار دچار نوسانات میشود. در این مرحله چالش بازرگانی بوجود می آید. در این صورت در یک مقطع کوتاه امکان انسجام بخشی کامل و جامع حوزه های بازرگانی میسر نیست در نتیجه خسارت آن بر پیکره تولید وارد میشود. به همین خاطر چالش بازرگانی همچنان پابرجاست و به وضوح میتوان گفت در یک مقطع کوتاه فقط میتوان التهاب را کاهش داد نه حل مشکل را؛ تولید فعلی سبب زمینی با دوهه اخیر کاملاً متفاوت است با همین سطح زیر کشت تولید آن سه برابر شده است در نتیجه برای رفع مشکل چند دهه اخیر نیازمند : تلاش مضاعف؛ در حوزه سیاست گذاری؛ برنامه ریزی؛ ایده پردازی؛ مسئولیت پذیری و... است.

۳ چرا که نیاز به برنامه ریزی دقیق سالیانه؛ در تمامی

امنیت غذایی در دنیا و کشور از مفهوم خاصی برخوردار است؛ کشوری همچون ایران؛ دارای استعدادهای خدادادی از جمله تنوع آب و هوایی؛ اقلیم های متفاوت و در طول سال دارای فصول چهارگانه با نگاه بهره مندی اصولی از ظرفیت های بالقوه و بالفعل طبعاً ضمن حفظ پایداری تولید در تامین موفق امنیت غذایی؛ بلکه میتواند قسمتی از نیاز بازار جهانی رو هم تهیه و تامین نماید. اما اگر سیاست گذاری ها کامل؛ جامع و همه جانبه صورت نگیرد مطمئناً این تنوع اقلیمی میتواند مشکلات و چالش های متفاوت را به ارمغان بیاورد و این معضلات در غالب سال ها ساری و جاری گردد.

۱ منطقی است؛ محصولات که در چارچوب امنیت غذایی تعریف می شوند جزو محصولات استراتژیک بحساب آیند؛ بنظر می رسد؛ ضروری است تمامی سازوکار این محصول در آن چارچوب تعریف و تبیین گردد. ولی علیرغم تأثیر دوچندان سبب زمینی بر امنیت غذایی کشور ولی متأسفانه هنوز در برنامه ریزی ها سیر تکاملی خود را در زنجیره تولید تا مصرف طی ننموده است.

۲ در نتیجه برنامه مدونی جهت نظم بخشی در تولید و بازرگانی بصورت کامل صورت نمی گیرد.



چرایی ماندگاری چالش بازرگانی سبب زمینی در چند دهه اخیر



حسین محمدی

خوابی که میان خبرها گم می شود

بررسی می کند، با صدای بلند درباره اخبار صحبت می کند یا شبها تا دیروقت بیدار می ماند، پیام روشنی دریافت می کند: «اتفاق خطرناکی در حال رخ دادن است.» بسیاری از متخصصان کودک معتقدند انتقال اضطراب از طریق رفتار، بسیار بیشتر از انتقال آن از طریق کلمات اتفاق می افتد.

چگونه از اخبار جانمانیم اما اسیر آنها هم نشویم؟

مدیریت اضطراب به معنای بی تفاوتی نیست. هیچ کس نمی گوید مردم اخبار مهم را دنبال نکنند. مسئله شیوه دنبال کردن اخبار است. متخصصان چند توصیه ساده دارند:

* به جای چک کردن مداوم اخبار، ساعات مشخصی برای پیگیری خبر تعیین کنید.

* اخبار را از منابع رسمی و معتبر دریافت کنید.

* از دنبال کردن شایعات و کانال های ناشناس پرهیز کنید.

* پیش از خواب اخبار تنش زا را مرور نکنید.

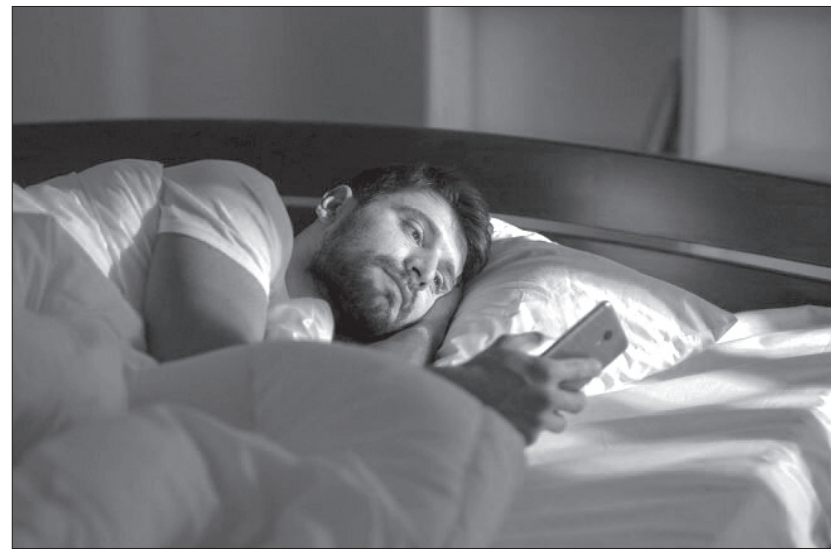
* زمان استفاده از شبکه های اجتماعی را محدود کنید.

* درباره نگرانی های خود با اعضای خانواده گفت و گو کنید.

* فعالیت های روزمره مانند ورزش، مطالعه و دیدارهای خانوادگی را متوقف نکنید.

* زندگی باید ادامه پیدا کند

شاید مهم ترین نکته همین باشد؛ اینکه انسانها در طول تاریخ بارها با بحرانها، جنگها و نااطمینانیها مواجه شده اند اما زندگی را متوقف نکرده اند. خبرها مهم اند، اما تمام زندگی نیستند. اگر قرار باشد هر صدای نامعلوم، هر پیام در شبکه های اجتماعی و هر شایعه منتشر شده ذهن ما را برای ساعتها درگیر کند، پیش از آنکه بحران بیرونی آسیب بزند، اضطراب درونی توان ما را تحلیل خواهد برد. این روزها شاید بیش از هر زمان دیگری لازم باشد میان «آگاه بودن» و «غرق شدن در اخبار» تفاوت قائل شویم؛ زیرا آرامش روانی، خود یکی از مهم ترین سرمایه هایی است که در روزهای پرتنش باید از آن محافظت کرد.



در ظاهر، دنبال کردن اخبار قرار است به ما آرامش بدهد؛ اما در عمل گاهی نتیجه معکوس دارد

نسل جدید؛ قربانی اعلانها

اگر در جنگ های گذشته مردم برای شنیدن اخبار منتظر رادیو یا بخش خبری می ماندند، امروز هر تلفن همراه به یک اتاق خبر ۲۴ ساعته تبدیل شده است. اعلان های خبری، پیام های گروه های خانوادگی، فیلم های منتشر شده در شبکه های اجتماعی و تحلیل های لحظه ای باعث شده اند که بسیاری از افراد حتی در زمان استراحت نیز از فضای خبر جدا نشوند. نتیجه آن است که جنگ فقط در میدان نبرد جریان ندارد؛ بلکه در ذهن میلیون ها نفر نیز ادامه پیدا می کند. یکی از مهم ترین قربانیان این وضعیت، کودکان هستند که شاید اخبار را مستقیم دنبال نکنند، اما اضطراب بزرگ ترها را کاملاً حس می کنند. کودکی که می بیند پدر یا مادر هر چند دقیقه تلفن همراه خود را

چرخه ای که اضطراب را بیشتر می کند

در ظاهر، دنبال کردن اخبار قرار است به ما آرامش بدهد؛ اما در عمل گاهی نتیجه معکوس دارد. فردی که روزی دو یا سه بار اخبار را مرور می کند، معمولاً تصویر کلی رویدادها را دریافت می کند. اما کسی که هر ده دقیقه در حال بررسی کانالها و شبکه های اجتماعی است، در معرض صدها پیام متناقض، تحلیل های غیرمعتبر، تصاویر پراکنده و شایعات قرار می گیرد. در چنین شرایطی مغز فرصت پردازش منطقی اطلاعات را از دست می دهد و به حالت آماده باش دائمی می رود؛ حالتی که با افزایش ضربان قلب، بی خوابی، تحریک پذیری، کاهش تمرکز و احساس نگرانی مداوم همراه است.

آخرین خبر را می خواند. صفحه را می بندد. تلفن همراه را کنار می گذارد و سعی می کند بخوابد. چند دقیقه بعد دوباره گوشی را برمی دارد. شاید در این فاصله خبر تازه ای منتشر شده باشد. شاید جایی اتفاقی افتاده باشد. شاید کسی در یکی از گروه ها چیزی نوشته باشد. صفحه کانال های خبری دوباره بالا و پایین می شود. خبرها عوض شده اند، اما اضطراب نه به گزارش ایرانزنگی، این روزها برای بسیاری از مردم، نگرانی فقط از خود حوادث نیست؛ از ندانستن است. از اینکه ندانند چند ساعت دیگر چه اتفاقی می افتد، امشب چگونه به پایان می رسد و فردا با چه خبری آغاز خواهد شد. در چنین شرایطی، بسیاری ناخواسته وارد چرخه ای می شوند که خروج از آن آسان نیست؛ چرخه ای از نگرانی، جست و جوی مداوم خبر، آرامش کوتاه مدت و بازگشت دوباره اضطراب. چرخه ای که با هر اعلان جدید، هر پیام در گروه های خانوادگی و هر شایعه منتشر شده در فضای مجازی از نو آغاز می شود.

اعتیاد به خبر؛ وقتی ذهن دنبال امنیت می گردد

بسیاری تصور می کنند علت چک کردن مداوم اخبار، کنجکاوای است؛ اما روانشناسان توضیح دیگری دارند. ذهن انسان در شرایط نااطمینانی به دنبال کنترل است. هنگامی که فرد احساس می کند اتفاقات مهمی در حال رخ دادن است اما توان تأثیرگذاری مستقیمی بر آنها ندارد، تلاش می کند با جمع آوری اطلاعات بیشتر، حس کنترل از دست رفته را بازسازی کند. به همین دلیل است که فرد هر چند دقیقه یک بار تلفن همراه خود را برمی دارد؛ نه لزوماً برای کسب اطلاعات جدید، بلکه برای کاهش اضطراب. مشکل اما اینجاست که این آرامش معمولاً فقط چند دقیقه دوام دارد. خبر بعدی، شایعه بعدی یا تحلیل بعدی دوباره اضطراب را بازمی گرداند و فرد را به سمت دور تازه ای از جست و جوی اخبار سوق می دهد.

بقای معیشت در برابر قانون

ریشه‌های اجتماعی حفر چاه‌های غیرمجاز و
راهکارهای اقتصادی توقف فرسایش منابع آبی



محمد صفری نژاد

در این ایام که میهن عزیز ما ایران درگیر آزمون‌های بزرگی است، آرزوی سربلندی و آرامش برای مردم و سرزمینمان را داریم. این سربلندی، تنها با دفاع از تمامیت ارضی میسر نیست، بلکه مستلزم پاسداری از بنیادهای بقا نیز هست. همواره یکی از دغدغه‌های اصلی زندگی من، مسائل محیط زیستی بوده و با توجه به سوابق تحصیلی و حرفه‌ای‌ام، بحث آب و مسائل پیرو آن همواره به‌عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی توسعه پایدار و به مثابه یک بحران عمیق نیازمند ملاحظه فوری، کانون توجه فعالیت‌های تخصصی من قرار داشته است. ابتدا بیاورید یک نگاه کلی به وضعیت محیط زیست در ایران عزیزمان داشته باشیم. جنگل‌ها، ایران، با داشتن اکوسیستم‌های ارزشمندی چون جنگل‌های هیرکانی در شمال و جنگل‌های زاگرس، از ذخایر جنگلی متنوعی برخوردار است. متأسفانه این سرمایه طبیعی در معرض تخریب مداوم ناشی از توسعه شهری، بهره‌برداری بی‌رویه و آتش‌سوزی‌های عملی قرار دارد. بررسی‌ها حاکی از آن است که تنها در دو دهه گذشته، حدود ۲ میلیون هکتار از این جنگل‌ها به دلیل قطع درختان، آتش‌سوزی و تغییر کاربری اراضی از بین رفته است. علاوه بر این، تنوع زیستی جنگل‌های ایران نیز در خطر است؛ با وجود غنای گونه‌ای، برآوردها نشان می‌دهد که تقریباً ۲۰ درصد از بیش از ۱۰۰۰ گونه گیاهی این اکوسیستم‌ها در معرض خطر انقراض قرار دارند. نابودی زیستگاه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین عامل کاهش این تنوع زیستی شناخته می‌شود. دشت‌ها، دشت‌های ایران شامل دشت‌های وسیع مرکزی و دشت‌های جلگه‌ای در کنار رودخانه‌ها هستند که توسعه کشاورزی و صنعت در این مناطق و برداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی باعث فرونشست، خشکی و تخریب این دشت‌ها شده است. تخمین‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد دشت‌های ایران در معرض آسیب هستند که این وضعیت منجر به افت کیفیت خاک می‌شود. رودخانه‌ها: رودخانه‌های اصلی ایران، مانند کارون و زاینده‌رود، به دلیل استفاده بیش از حد، سد سازی‌های بی‌رویه و بدون حساب و کتاب، خشکسالی و تغییرات اقلیمی با کاهش آب روبرو شده‌اند، که تهدیدی برای زیست بوم و اکوسیستم‌های اطراف آن‌هاست. تالاب‌ها: ایران دارای ۱۲۰ تالاب است که حدود ۱۰۰ تالاب آن به عنوان ذخیره‌گاه‌های زیستی شناخته می‌شوند. با این سطح از اهمیت متأسفانه بللبل بی‌توجهی حدود ۸۰ درصد از این تالاب‌ها در معرض تهدید قرار دارند. تالاب هامون، برای مثال، در سال‌های اخیر بیش از ۹۰ درصد کاهش آب داشته است. امروزه تمامی تالاب‌های ایران به دلیل تغییرات اقلیمی، ورود پساب‌ها و آلودگی در معرض نابودی قرار دارند؛ این تالاب‌ها منبع تنوع زیستی و ذخیره‌گاه‌های مهم آبی هستند. دریاچه‌ها: دریاچه‌هایی مانند دریاچه ارومیه به شدت آسیب دیده و در حال خشک شدن هستند، عواملی چون تغییرات اقلیمی و توسعه نامتوازن کشاورزی و حفر چاه‌های غیرمجاز بی‌شمار در اطراف آنها و سدسازی‌هایی که باعث کاهش ورود آب از رودخانه‌ها شده و بر وضعیت

وخیم آن‌ها تأثیر گذاشته است. و در نهایت مبحث آب‌های زیرزمینی، منابع آب زیرزمینی ایران به دلیل استخراج بی‌رویه، روش‌های نادرست آبیاری و تداوم خشکسالی، با کاهش شدیدی مواجه شده‌اند. متوسط برداشت سالانه از این منابع در حدود ۶۱ میلیارد متر مکعب است؛ در حالی که میزان تجدیدپذیری طبیعی آن‌ها تنها حدود ۳۳ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود. نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که ما در کشوری خشک و کم‌باران، به جای رعایت اصل برداشت کمتر از میزان آب تجدیدپذیر برای تقویت ذخایر آبی، دو برابر و حتی بیشتر از این میزان برداشت می‌کنیم. این عدم توازن شدید، پیامدهای وخیمی از جمله فرونشست زمین، تقریباً تمام نقاط کشور و بروز مشکلات عمیق اجتماعی-اقتصادی را به دنبال داشته است. حدود ۷۰ درصد آب مصرفی کشور از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود اما برداشت بی‌رویه باعث شده سطح آب در اغلب دشت‌ها بین نیم تا دو متر در سال پایین برود. بسیاری از دشت‌ها در وضعیت «ممنوعه بحرانی» هستند، یعنی دیگر نباید از آن‌ها آب برداشت شود. میانگین بارش سالانه ایران حدود ۲۵۰ میلی‌متر است، تقریباً یک‌سوم میانگین جهانی. تغییرات اقلیمی باعث شده بارش‌ها نامنظم شود - به‌صورت رگبارهای شدید و کوتاه - که عملاً به نفوذ آب به سفره‌های زیرزمینی کمک نمی‌کند. و یکی از مهم‌ترین و چالشی‌ترین مباحث، مصرف غیرکارآمد آب در کشاورزی، بیش از ۹۰ درصد آب کشور در کشاورزی مصرف می‌شود، آن‌هم عمدتاً با شیوه‌های سنتی و بازه پایین درحالی‌که برخی کشورها با سامانه‌های آبیاری قطره‌ای یا تحت فشار این مقدار را تا نصف کاهش داده‌اند. سدسازی گسترده و طرح‌های انتقال آب (مثل کارون به زاینده‌رود یا از دریای خزر به سمنان) در بسیاری موارد بدون ارزیابی زیست‌محیطی کافی انجام شده و موجب خشک شدن تالاب‌ها و بحران زیست‌بوم‌ها (مثل دریاچه ارومیه و هامون) شده است. کاهش منابع آب باعث مهاجرت روستاییان، کاهش تولید غذا، افزایش گرد و غبار، و تنش‌های محلی بر سر آب شده است (مانند اعتراضات در خوزستان یا اصفهان طی سال‌های اخیر). در مجموع آنچه به صورت کاملاً عیان موجب وضعیت فعلی منابع کشور شده است، سوءمدیریت افسارگسیخته است. فقدان هرگونه آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت، حکایت از آن دارد که از دیدگاه مدیران و مسئولان، که من نام مدیران جلسه‌ای روی آنها می‌گذارم، ایران سرزمینی است که صرفاً باید مصرف شود؛ تا جایی که تمام گردد. بنابراین رویکرد این سرزمین کهن را نه امانتی از نسل‌های آینده، بلکه دارایی زودگذری می‌پندارند که باید در لحظه به پایان رسانده شود. علیرغم چالش‌های موجود، تقویت سیاست‌های حمایتی در حوزه آب و محیط زیست، و تخصیص بودجه و منابع کافی برای اجرای مؤثر طرح‌های حفاظت از منابع طبیعی، به شدت احساس می‌شود. در ایران، تصمیمات محیط‌زیستی معمولاً واکنشی و کوتاه‌مدت هستند، نه مبتنی بر برنامه‌های بلندمدت. دولت‌ها بیشتر به پروژه‌های قابل نمایش با منافع مالی (مثل سدسازی یا انتقال آب) علاقه دارند که دستاورد سریع و سیاسی نشان دهند. اما اصلاح ساختاری مصرف و مدیریت منابع غافل‌اند. در پروژه‌های بزرگ آبی مثل سد یا انتقال بین‌حوضه‌ای، بودجه‌های کلان وجود دارد که برخی نهادها یا پیمانکاران از آن سود می‌برند. همین باعث می‌شود سیاست‌ها به جای حفظ طبیعت، بیشتر به سمت پروژه‌سازی بروند. بنابراین مدیران و مسئولان ما که عاشق جلسه و بازی با آمار هستند باید به این درک عمیق برسند که پاک کردن صورت مسئله چاره کار نیست و منافع ملی میهنی در برنامه ریزی‌های کلان و بلندمدت و قطع دست شرکت‌های مشاور و پیمانکاری است که صرفاً در پروژه‌های آبی نه به منافع ملی، که دغدغه اصلی‌شان حساب بانکی‌شان است. اما بی‌تفاوتی و نبود مطالبه‌گری عمومی نیز امروزه یکی از مشکلات بزرگ کشور ماست، در بسیاری از کشورها، فشار مردم و رسانه‌ها دولت را وادار به حفاظت از محیط‌زیست می‌کند. در ایران، آگاهی عمومی پایین است و قوانین محیط‌زیستی معمولاً اجرایی نمی‌شوند. حتی وقتی بحران‌هایی مثل خشک شدن دریاچه ارومیه یا تالاب هامون مطرح می‌شود، واکنش‌ها مقطعی است. مسائل آب و محیط‌زیست درگیر چند وزارتخانه‌اند (نیرو، جهاد کشاورزی، صنعت، محیط‌زیست...) که در عمل برنامه مشترک مؤثری ندارند. هرکدام دیدگاهی

متفاوت دارند: یکی برای تولید، دیگری برای معیشت و دیگری برای حفاظت از طبیعت، و در نهایت منابع آب قربانی این ناهماهنگی می‌شود. در چنین شرایطی، اصلاحات واقعی نیاز به اراده ملی، شفافیت، مشارکت عمومی، و تغییر در الگوی توسعه دارد. اگر این عناصر فراهم نشوند، طرح‌های کوچک مانند «حیای دریاچه‌ها» یا «کاهش مصرف آب در کشاورزی» در حد شعار می‌ماند. امروزه چالش حفر چاه‌های غیرمجاز، اصلی‌ترین عامل فرونشست و افت شدید ذخایر آب زیرزمینی ایران است؛ جایی که برداشت سالانه بیش از دو برابر ظرفیت تجدیدپذیری منابع آبی رخ می‌دهد. این پدیده، که ریشه در سوءمدیریت تاریخی، ضعف ساختارهای نظارتی و از همه مهم‌تر، تأمین نشدن معیشت جایگزین برای جوامع کشاورزی دارد، نه تنها سفره‌های آب را تهی می‌کند، بلکه امنیت غذایی و زیست‌محیطی کشور را به مرحله بحرانی رسانده است. و اما دلایل حفر چاه‌های غیرمجاز:

۱. کمبود آب و ناتوانی در تأمین

در بسیاری از مناطق خشک، روستاییان و کشاورزان که دسترسی به منابع آب سطحی ندارند، یا مجوز قانونی چاه به دلیل ممنوعه بودن دشت‌ها صادر نمی‌شود، برای بقا و ادامه کشت، ناچار به برداشت غیرمجاز می‌شوند.

۲. وابستگی شدید معیشت در ایران به کشاورزی

سنتی و نبود شغل جایگزین

در غیاب طرح‌های اشتغال‌زایی پایدار، بخش عمده‌ای از جمعیت روستایی ایران همچنان متکی به کشاورزی است؛ لذا کاهش منابع آبی به معنای تهدید مستقیم درآمد میلیون‌ها خانوار است. دولت‌ها غالباً به دلیل ترس از تشدید نارضایتی اجتماعی و بیکاری گسترده روستایی، اجرای سیاست‌های سختگیرانه از جمله محدودسازی چاه‌ها یا تغییر الگوی کشت را به تعویق می‌اندازند. در مناطقی که کشاورزی تنها منبع درآمد است، زمانی که بارندگی کاهش یافته یا سهمیه آب قانونی کفاف ندهد، کشاورز برای بقای اقتصادی و حفظ زمین خود، چاره‌ای جز توسل به حفر چاه غیرمجاز نمی‌بیند. این رفتار، که ریشه در اصل بقا (اولویت یافتن معیشت بر قانون) دارد، نشان‌دهنده رابطه مستقیم قوی میان بحران‌های اقتصادی، بیکاری ساختاری و تشدید حفر چاه‌های غیرمجاز است.

۳. ضعف نظارت در کمبود منابع مالی پروژه‌های حفاظتی

در بسیاری از مناطق، نظارت بر چاه‌های غیرمجاز عملاً وجود ندارد یا ساختار یافته نیست. از سوی دیگر، مأموران و نیروهای محلی شاغل در پروژه‌های حفاظتی، به دلیل کمبود منابع مالی مستمر و فقدان قراردادهای حمایتی بلندمدت، از توان عملیاتی و نیروی کافی برای مقابله مؤثر با این معضل ساختاری محروم هستند.

۴. تضعیف اعتماد عمومی به سیاست‌های آب

وقتی مردم ببینند طرح‌های دولتی مثل «سدسازی» یا «انتقال آب» به نفع مناطق خاص است، همکاری در محدودیت برداشت آب کاهش می‌یابد. حفر چاه غیرمجاز تبدیل می‌شود به نوعی مقاومت در برابر بی‌عدالتی فرضی.

و اما راهکارهای جلوگیری و مدیریت

۱. پایش هوشمند با فناوری (GIS)، سنسور، اینترنت (اشیا) راه‌اندازی سیستم‌های ماهواره‌ای و زمینی برای شناسایی چاه‌های جدید و مصرف آب آن‌ها؛ این روش در کشورهای خشک مثل اردن با سابقاً بسیار موفق بوده است.

۲. اشتغال‌زایی در مناطق روستایی بویژه مناطق محروم، یکی از مؤثرترین راه‌ها می‌تواند اصلاح الگوی معیشت روستاییان باشد، باید بخشی از سیاست‌های توسعه روستایی به جای تکیه بر کشاورزی آب‌بر، تمرکز بر صنایع کوچک بخصوص صنایع دستی بومی و گردشگری روستایی باشد. (با حمایت از طریق وام‌های کم بهره)

۳. به‌جای حفر چاه جدید، باید کشاورزان تشویق شوند از روش‌های آبیاری تحت فشار، قطره‌ای، و سامانه‌های هوشمند استفاده کنند. دولت می‌تواند یارانه‌های سوخت چاه را به این فناوری‌ها اختصاص دهد. سیستم‌های نوین مثل آبیاری قطره‌ای نیاز به سرمایه دارند. روستاییانی با درآمد پایین معمولاً قادر به خرید تجهیزات نیستند، بنابراین برای جبران کمبود آب به حفر چاه جدید روی می‌آوردند - راهی ارزان اما مخرب.

۴. فعال‌سازی مشارکت محلی و شوراهای آب، تجربه‌های موفق جهانی نشان می‌دهند وقتی تصمیمات مقابله با چاه

غیرمجاز در دست مردم محلی باشد، کنترل بسیار مؤثرتر می‌شود. تشکیل کمیته‌های آب محلی با اختیار واقعی (نه تشریفاتی) می‌تواند بازدارندگی اجتماعی بالایی ایجاد کند.

۵. شفافیت اطلاعاتی و آموزش عمومی، انتشار داده‌های عمومی درباره افت سفره‌ها، خطرات فرونشست و خسارات کشاورزی ناشی از چاه‌های بدون مجوز، می‌تواند آگاهی و فشار اجتماعی برای تغییر را تقویت کند.

۶. نبود حمایت اقتصادی از تغییر الگوی کشت، وقتی سیاست‌های حمایتی برای کشت‌های کم‌آبر (مثل زعفران، گیاهان دارویی، پسته) در عمل ضعیف یا ناپایدار هستند، کشاورزان ترجیح می‌دهند همان الگوی سنتی و پرآبر را حفظ کنند و برای آن چاه غیرمجاز حفر نمایند. در بحران اقتصادی، کشاورزان به سمت محصولاتی مانند برنج می‌روند که سودآوری بیشتری دارند. همین امر باعث می‌شود کشاورزان جدید نیز وارد زمین شوند و برای کشت این محصولات اقدام به حفر چاه غیرمجاز حفر کنند؛ در واقع یک تصمیم اقتصادی ولی مخرب در بلندمدت. یکی از راه کارها می‌تواند واردات محصولاتی با نیاز آبی بالا باشد، اما باید توجه داشت که واردات برخی از به‌طور نامناسبی انجام شود می‌تواند به کشاورزی محلی آسیب زده و منجر به از بین رفتن شغل‌ها و معیشت‌های مرتبط شود. برای اینکه واردات برنج به نفع کشور باشد، نیاز است سیاست‌های اقتصادی و تجاری به‌دقت ارزیابی شوند تا منافع کشاورزان و مصرف‌کنندگان همزمان در نظر گرفته شود. برنج یکی از محصولات پرآب طلب است (نیاز آبی بالا) و واردات برنج می‌تواند فشار بر منابع آب زیرزمینی را کاهش دهد و به حفظ منابع آبی کمک کند. با افزایش عرضه از طریق واردات، قیمت برنج در بازار داخلی ممکن است کاهش یابد و به نفع مصرف‌کنندگان باشد. این می‌تواند تمرکز را از روی برنج به عنوان محصولی با نیاز آبی بالا به سمت محصولات با نیاز آبی کمتر بکشد. به عنوان مثال پنبه، یک محصول با نیاز آبی کمتر نسبت به برنج است که می‌تواند به ایجاد اشتغال و دستیابی به درآمدهای صادراتی نیز کمک کند. علاوه بر این، پنبه می‌تواند به صنعت نساجی، تولید پارچه و اشتغال‌زایی در کشور نیز کمک کند. برای اجرای موفق چنین راهکاری، نیاز به سیاست‌های جامع و هم‌راستا از سوی دولت است که شامل حمایت از کشاورزان و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید و صادرات محصولات جدید باشد. طراحی سیاست‌های متناسب می‌تواند تأثیرات مثبت این تغییرات را به حداکثر برساند.

۷. فقدان نظام بیمه و حمایت روستایی، در نبود بیمه کشاورزی و حمایت درآمدی، روستاییان در برابر خشکسالی کاملاً بی‌پناه‌اند. طبیعی است برای حفظ امنیت غذایی خانواده‌ها، دست به اقدامات غیرقانونی اما حیاتی بزنند.

۸. عدم عزم جانی در پیگیری راه‌حل‌های قانونی و اداری، اصلی‌ترین مانع در مبارزه با حفاری‌ها و برداشت‌های غیرمجاز است. اینجا دو پرسش کلیدی مطرح می‌شود:

۱. چرا شرکت ملی نفت، سوخت به چاه‌های غیرمجاز عرضه می‌کند؟

۲. چرا وزارت نیرو، شرکت مدیریت منابع آب و شرکت‌های تابعه، مانع فروش غیرقانونی لوله‌های حفاری چاه نمی‌شوند؟

ایجاد یک سازوکار قانونی شفاف، می‌تواند این معضلات را حل کند. برای مثال، می‌توان سوخت، خرید لوله‌های مختص حفاری را، مشابه توزیع دارو، منوط به ارائه مجوزهای قانونی (مانند نسخه) کرد. اجرای چنین تألیف ساده اما حیاتی، می‌تواند به طور مؤثر جلوی حفاری‌های غیرمجاز و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی را بگیرد. بله، بیکاری و فقر محرک اصلی رشد چاه‌های غیرمجاز است. در واقع ریشه نه در «بی‌قانونی مردم» بلکه در ساختار اقتصادی و نابرابری فرصت‌ها نهفته است. اگر شغل‌های جایگزین، آموزش و حمایت اقتصادی فراهم شود، انگیزه حفر چاه خودبه‌خود کاهش می‌یابد. در نهایت باید فهمید که چاه غیرمجاز تنها یک نشانه است؛ بیماری اصلی سیستم مدیریت آب است. تا وقتی سیاست‌های توزیع آب، مجوزدهی، و اشتغال اصلاح نشود، مقابله صرفاً انتظامی با این پدیده نتیجه پایداری نخواهد داشت. -تنها با تأثیر عالمانه امروز است که می‌توانیم میراث آبی سربلند را برای فردایی آرام و پر از سازندگی به نسل‌های بعد تحویل دهیم.

کارشناس ارشد مدیریت منابع آب

بازرسی هوشمند مطالبه اصناف از مسوولان



ضرورت اصلاح قانون نظام صنفی، هوشمندسازی فرایندهای بازرسی، افزایش سهم گلستان از کالاهای اساسی، ایجاد شهرک‌های صنفی و رفع موانع کاری دستگاه‌های نظارتی از مهم‌ترین مطالباتی بود که فعالان اقتصادی و صنفی استان در نشست هماهنگی اتاق‌های اصناف استان مطرح کردند. به گزارش ایرنا، فعالان صنفی گلستان در نشست هماهنگی اتاق‌های اصناف استان که با حضور قاسم نوده‌فراهانی رییس اتاق اصناف ایران و حسین شریعتمدار طهرانی رییس مرکز امور اصناف و بازرگانان و جمعی دیگر از مسوولان برگزار شد مجموعه‌ای از دغدغه‌ها و مطالبات خود را در حوزه‌های مختلف مطرح کردند. فعالان صنفی گلستان مجموعه‌ای از مطالبات و چالش‌های خود را در حوزه‌های زیرساختی، نظارتی و معیشتی مطرح کردند. فعالان این بخش احداث و تکمیل ساختمان‌های مستقل و درخور شان اصناف در شهرستان‌ها را از مهم‌ترین نیازها دانستند و تاکید کردند اتاق‌های اصناف به‌عنوان نهادهای اصلی نمایندگی بازاریان، باید از فضاهای مناسب برای ارائه خدمات و پیگیری امور صنفی برخوردار باشند. فعالان صنفی گلستان با اشاره به ظرفیت سامانه‌های هوشمند و فناوری‌های نوین، معتقدند بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر تحلیل داده و هوش مصنوعی می‌تواند دقت نظارت‌ها را افزایش دهد و از بروز تخلفات جلوگیری کند که در همین راستا، بازنگری در قانون نظام صنفی و اصلاح همخوانی میان مسوولیت‌ها و اختیارات مدیران اتاق‌های اصناف نیز از دیگر مطالبات مطرح شد. موضوع معیشت بازرسان و نیروهای نظارتی و همچنین مشکلات ناشی از نوسان قیمت‌ها از دیگر محورهای مورد توجه فعالان صنفی بود. فعالان صنفی گلستان با اشاره به فشارهای اقتصادی، کمبود نقدینگی، هزینه‌های تولید و تاثیر آن بر حلقه آخر توزیع، تاکید کردند که بخش قابل توجهی از افزایش قیمت‌ها ناشی از مبدا تولید است و اصناف در این میان به‌اشتباه متهم اصلی گرانی معرفی می‌شوند. در این نشست همچنین بر لزوم تقویت نظارت بر بخش تولید و تفکیک «گرانی» از «گران‌فروشی» تاکید شد. فعالان صنفی گلستان همچنین کمبود سرمایه در گردش، فشارهای مالیاتی، ناترازی انرژی، فرسودگی تجهیزات، کمبود برخی اقلام مانند لاستیک و برخی نارسایی‌های اجرایی از جمله ضعف اتصال سامانه‌ها و موانع کاری دستگاه‌های نظارتی را از دیگر چالش‌های موجود عنوان کردند و خواستار هماهنگی بیشتر دستگاه‌های اجرایی

و تمرکز نظارت‌ها با محوریت اتاق‌های اصناف شدند. سرپرست اداره کل صمت گلستان در این نشست به نقش اصناف در پایداری بازار و تامین نیازهای مردم اشاره کرد و اصناف را نزدیک‌ترین حلقه اقتصاد به جامعه دانست. فرهاد زارع گفت: فعالان صنفی گلستان در شرایط مختلف اقتصادی و در جنگ رمضان با حضور مستمر در بازار و تداوم خدمات‌رسانی، نقش موثری در حفظ آرامش و ثبات اقتصادی استان ایفا کردند. وی همچنین با اشاره به اقدامات عمرانی و رویکرد تحولی در اتاق اصناف گلستان، از تلاش‌های مدیران، بازرسان، روسای اتاق‌های اصناف و نمایندگان استان در اتاق اصناف ایران قدردانی کرد و این همگرایی و انسجام را سرمایه‌ای ارزشمند برای تحقق اهداف اقتصادی و توسعه فعالیت‌های صنفی در استان دانست. سرپرست اداره کل صمت، معدن و تجارت گلستان با اشاره به برخی چالش‌های حوزه اصناف و تنظیم بازار استان، بر ضرورت بازنگری در فرایندهای آموزشی، نظارتی و توزیعی تاکید کرد و گفت: آموزش رابطان استانی در سال‌های اخیر متوقف شده و آزرگیری این دوره‌ها می‌تواند نقش موثری در ارتقای سطح آگاهی و توانمندی فعالان حوزه نظارت و بازرسی ایفا کند. زارع یکی از مهم‌ترین مشکلات حوزه تنظیم بازار را تغییر مداوم شاخص‌های نرخ‌گذاری دانست و افزود: در شرایط کنونی تعیین قیمت کالاها با دشواری‌هایی همراه است،

زیرا شاخص‌های موثر در نرخ‌گذاری به‌طور مستمر در حال تغییر هستند و این مساله چالش‌هایی را برای دستگاه‌های اجرایی و فعالان اقتصادی ایجاد کرده است. وی همچنین به ابهامات موجود در اجرای ماده ۲۴ قانون نظام صنفی اشاره کرد و گفت: در برخی اتحادیه‌ها، اعضای هیات‌مدیره برای انتخاب مدیر اجرایی به اجماع و تفاهم لازم دست پیدا نمی‌کنند که این مساله روند مدیریت و تصمیم‌گیری در تشکلهای صنفی را با مشکل مواجه کرده است. سرپرست اداره کل صمت گلستان با بیان اینکه سهم استان از تخصیص کالاهای اساسی متناسب با نیازهای موجود نیست، اظهار کرد: بسیاری از شرکت‌های پخش و فروشگاه‌های بزرگ کشور، سهم اندکی برای گلستان در نظر می‌گیرند و این موضوع در برخی مقاطع زمانی موجب بروز مشکلاتی در تامین کالاهای مورد نیاز استان می‌شود. زارع افزود: عواملان توزیع لاستیک در گلستان را از دیگر چالش‌های موجود برشمرد و افزود: این موضوع به‌ویژه در فصل فعالیت‌های کشاورزی و در حوزه تامین لاستیک ماشین‌آلات کشاورزی و خودروهای تجاری بیشتر نمایان می‌شود و تاکنون مکاتبات متعددی برای رفع این مشکل انجام شده است. سرپرست اداره کل صمت، معدن و تجارت گلستان با تاکید بر ضرورت ایجاد شهرک‌های صنفی و لجستیکی در استان گفت: گلستان از نظر زیرساخت‌های صنفی و لجستیکی

مورد را گنجانیدیم تا با تسهیلات اندیشیده شده، از بروز معضلات برای این بخش پیشگیری کنیم. هزارجریبی افزود: فکر می‌کنم در حال حاضر سه شرکت بزرگ در عرصه زنجیره تولید یکپارچه مرغ حضور دارند. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان ادامه داد: گلستان با تولید سالانه ۳۱۵ هزار تن گوشت مرغ، رتبه دوم کشور را از این حیث در اختیار دارد. وی در ادامه عنوان کرد: روزانه چیزی نزدیک ۱۵۰ تن تخم‌مرغ در گلستان تولید می‌شود که حدود ۴۰ درصد آن به مصرف داخلی استان اختصاص دارد و بخش عمده‌ای از آن نیز متناسب به سایر استان‌های کشور ارسال می‌شود. استان گلستان با تولید ۷۴ هزار تن تخم‌مرغ در سال گذشته، رتبه هشتم کشور را از این حیث به خودش اختصاص داد. هزارجریبی در ادامه از صادرات تخم‌مرغ از گلستان به کشورهای همسایه خبر داد و گفت: همچنین در حال حاضر بخشی از تولیدان تخم‌مرغ استان به‌طور محدود به کشورهای عراق و افغانستان صادر می‌شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی درباره تولید مرغ در استان گفت: از مجموع ۷۰۰ الی ۹۰۰ تن مرغی که روزانه در گلستان تولید می‌شود، تنها ۲۰ درصد به مصرف داخل استان اختصاص دارد و بخش قابل توجهی از آن به تهران و بیش از ۱۴ استان دیگر ارسال می‌شود. وی ادامه داد: بهای محصول جو که سال گذشته حدود ۱۱ هزار تومان بود، امسال به حدود ۴۴ هزار تومان رسیده است؛ افزایشی که امیدبخش است. همچنین حضور فعال‌تر بخش خصوصی موجب رقابتی‌تر شدن بازار خرید شده و در نتیجه، پرداخت مطالبات کشاورزان نیز با سرعت بیشتری

انجام گرفته است. هزارجریبی درباره صادرات سیب‌زمینی از گلستان گفت: پس از آزادسازی محدود صادرات سیب‌زمینی، تاکنون ۴ هزار تن سیب‌زمینی به خارج از کشور صادر شده و همچنان ادامه دارد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان اظهار داشت: پرداخت مطالبات گندم‌کاران نیز به‌طور مستمر در حال انجام است. به طوری که فهرست نام کشاورزان پس از تحویل محصول سریعاً به بانک عامل ارسال می‌شود تا فرآیند پرداخت با کمترین تأخیر انجام گیرد. وی ادامه داد: یکی از اثرگذارترین اقداماتی که صورت گرفت، اصلاح و یکسان‌سازی نرخ ارز در حوزه واردات محصولات کشاورزی بود. در سال‌های اخیر واردات برخی محصولات مانند گندم، ذرت، جو و دانه‌های روغنی با ارز ترجیحی انجام می‌شد که این موضوع سبب شد تا قیمت تولیدات داخلی سرکوب شود و انگیزه کشاورزان برای تولید کاهش پیدا کند. هزارجریبی در ادامه عنوان کرد: افزایش قیمت خوراک دام، محدودیت‌های منطقه‌ای و اختلال در تامین نهاده‌ها، نگرانی‌هایی را برای تولیدکنندگان ایجاد کرد. اما در نهایت با اجرای سیاست‌های حمایتی، روند تولید بدون وقفه ادامه پیدا کرده است. وی افزود: خرید اعتباری نهاده‌ها، فروش نسبی از سوی شرکت پشتیبانی دام و ایجاد مسیرهای جدید وارداتی از مهم‌ترین اقداماتی بود که به حفظ پایداری تولید در واحدهای مرغداری کمک کرد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان در نهایت گفت: متأسفانه به خاطر شرایط جنگی کشور، با محدودیت‌های شدید اعتباری روبه‌رو هستیم که امیدوارم هرچه سریع‌تر برطرف شوند.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان عنوان کرد: آبیاری تحت فشار در دستور کار است

مهران مودنی - رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان عنوان کرد: توسعه آبیاری تحت فشار در دستور کار ما است. تقریباً حدود ۳۰ درصد از اراضی مستعد آبیاری تحت فشار استان را زیر پوشش قرار داده‌ایم. ابراهیم هزارجریبی، صبح یکشنبه، ۱۴ خرداد ۱۴۰۵ در جمع خبرنگاران درباره تغییر سیاست‌های سازمان جهاد کشاورزی در عرصه مدیریت آب گفت: همچنین یکی از سیاست‌های وزارتخانه این است که از کشت چغندر کشت بهار بکاهد و به کشت چغندر پاییزه بيفزاید. وی درباره ضعف در صنایع تبدیلی اظهار داشت: تکمیل صنایع تبدیلی را علی‌رغم تمام محدودیت‌ها در اولویت قرار دادیم. در لیست تسهیلات سفر ریاست‌جمهوری نیز این

شهر جهانی فرهنگ‌ها در انتظار بازارچه صنایع دستی

شهرستان و حتی شهرهای همجوار برای تولید و عرضه محصول باشند. مجیدی به برگزاری برخی نمایشگاه‌های صنایع دستی در مناسبت‌های ملی و مذهبی در گنبدکاووس هم اشاره کرد و ادامه داد: برپایی این نمایشگاه‌ها تاحدودی خوب اما در شان هنرمندان نیست و آنها باید مکانی ثابت برای عرضه تولیدات خود داشته باشند. این هنرمند پیشکسوت گنبدی، تصریح کرد: گنبدکاووس شهری بلندآوازه و جهانی است و هنرمندان صنایع دستی آن بهترین ظرفیت برای معرفی هرچه بیشتر این شهرستان هستند و باوجود اینکه از چند دهه ساخت بازارچه دائمی از طرف مسولان مطالبه شده اما وعده‌های داده شده در این خصوص هنوز محقق نشده است. رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گنبدکاووس هم با تایید مشکلات مطرح شده توسط هنرمندان این شهرستان بویژه بحث بازارچه دائمی، تصریح کرد: راه‌اندازی و احداث چنین بازارچه‌ای از مطالبات اصلی هنرمندان این دیار است. مریم آق آتابای با اشاره به فعالیت بیش از هفت هزار نفر هنرمند صنایع دستی در گنبدکاووس، گفت: ۲۵۰۰ نفر از این هنرمندان که از اقوام مختلف ساکن در این شهرستان از جمله «ترکمن‌ها، سیستانی‌ها، بلوچ‌ها، قزاق‌ها و قزلباش‌ها» هستند، در رشته رودوزی سنتی فعالیت دارند. وی افزود: بسیاری از این هنرمندان با استفاده از ذوق هنری و نیز دانه و سلیقه بازار و مشتریان، رودوزی‌های سنتی را روی البسه و لباس‌های محلی طراحی و می‌دوزند که استقبال مشتریان را به همراه داشته است. آق آتابای اضافه کرد: در چند سال اخیر پنج هنرمند گنبدکاووس موفق به دریافت درجه ماهر اصالت و هشت نفر هم ماهر کیفیت کالا شدند که نشان از ظرفیت بالای هنرمندان صنایع دستی این شهرستان است.



چالش افزایش قیمت مواد اولیه و صادرات

یک هنرمند دیگر گنبدکاووس هم که ۱۵ سال سابقه فعالیت هنری درحوزه صنایع دستی بویژه رودوزی‌های سنتی دارد، گفت: به سبب افزایش بی رویه قیمت مواد اولیه و نبود بازار فروش دائمی در این شهرستان و با توجه به اینکه محصولات ما از نوع نفیس با مواد اولیه مرغوب دوخته می‌شود، قیمت تمام شده آن افزایش یافته است. صدیقه یوسفی افزود: بالا بودن قیمت تمام شده محصولات تولیدی سبب شده تا استقبال مشتریان و قدرت خرید آنها روند نزولی داشته باشد که در این شرایط نیاز به بازارهای برون مرزی و صادرات صنایع داریم. وی اضافه کرد: در صورت حمایت دولت و مسولان متولی در گلستان و گنبدکاووس برای فراهم کردن زمینه صادرات صنایع دستی، می‌توان با تولید انبوه به اشتغال و درآمد بانوان هنرمند در این شهرستان کمک کرد. یوسفی بابیان اینکه به صورت بسیار محدود برخی محصولات تولیدی صنایع دستی ما صادر می‌شود که مقرون به صرفه نیست، ادامه داد: در صورت فراهم شدن زمینه صادرات و یا حضور در نمایشگاه‌های بین المللی می‌توان به افزایش تولید، اشتغال و درآمد ارزی برای کشور امیدوار بود.

صنایع دستی نیاز به حمایت ویژه دارد

مدیر شرکت تعاونی نقش سوزن گلستان هم، خواستار حمایت ویژه از هنرمندان صنایع دستی بویژه رودوزی‌های سنتی توسط دستگاه‌های متولی این بخش شد و گفت: طی ماه‌های اخیر قیمت بسیاری از مواد اولیه از جمله پارچه متقال معمولی حداقل ۲ برابر شده که این گرانی‌ها علاوه بر کاهش قدرت خرید هنرمند و تولیدات آن، سبب افزایش قیمت محصولات و کساد بازار نیز شده است. عصمت مجیدی (خالقی) که ۴۷ سال فعالیت هنری درحوزه صنایع دستی دارد، افزود: نبود بازارچه دائمی برای عرضه محصول هم از دیگر چالش‌هاست که نیاز به حمایت و تحقق وعده‌های مدیران متولی برای راه‌اندازی آن دارد. وی اضافه کرد: راه‌اندازی بازارچه دائمی صنایع دستی در گنبدکاووس بویژه در مرکز شهر یا محوطه بنای تاریخی گنبدقاپوس می‌تواند مشوق خوبی برای جامعه هنرمندان صنایع دستی این

به حفظ و ماندگاری صنایع دستی که برگرفته از آداب، رسوم، فرهنگ، تاریخ و هویت اقوام است، کمک کند. فریده وفایی که ۲۰ سال سابقه فعالیت هنری دارد، افزود: بهترین حمایت از صنایع دستی اقوام، راه‌اندازی بازارچه دائمی و یا مکانی ثابت برای عرضه آن توسط هنرمندان است که امیدوارم مسولان متولی به این مطالبه هنرمندان اهتمام داشته و آنرا عملی کنند. وی با اشاره به گرانی مواد اولیه (نخ و پارچه) و مشکلات مالی هنرمندان صنایع دستی، اضافه کرد: اگر بازار فروش دائمی برای عرضه محصولات هنرمندان باشد و آنها در جایی ثابت جمع شوند و محصول تولیدی خود را عرضه کنند، مشکلات مالی نیز قابل رفع است. وفایی، حمایت مالی و تسهیلاتی مسولان از هنرمندان صنایع دستی برای خرید مواد اولیه و یا چرخ خیاطی را مهم دانست و ادامه داد: من فعلا در خانه و به تنهایی فعالیت دارم اگر تسهیلاتی به من یا دیگر بانوان مشابه من داده شود، تا کارگاه خود را بزرگتر کنم، می‌توانم برای چند نفر از بانوان هم فرصت شغلی ایجاد نمایم.

بیمه کم‌رنگ هنرمندان صنایع دستی

یکی دیگر از هنرمندان صنایع دستی گنبدکاووس هم گفت: در کنار مسائل و مشکلات مطرح شده و مطالبه هنرمندان برای ایجاد بازارچه دائمی صنایع دستی، بیمه تامین اجتماعی فعالان این رشته هم باید مورد توجه مسولان قرار گیرد. شریفه آه محمد بابیان اینکه بیمه تامین اجتماعی از پشتوانه‌های هنرمندان برای دوران بازنشستگی یا از کار افتادگی و نیز مباحث مرتبط با درمان و سلامت آنهاست، بیان کرد: از هفت ماه پیش با تکمیل مدارک (قبولی) در آزمون و تهیه وسایل و ابزار مرتبط با فعالیت هنری) برای بیمه تامین اجتماعی اقدام کردم اما هنوز خبری از بیمه نیست. وی به گرانی و نبود نخ‌های ابریشمی در بازار هم اشاره کرد و افزود: به همین جهت مجبوریم از نخ‌های اکریلیکی که ارزانتر است استفاده کنیم که آنهم کیفیت تولیدات را کاهش می‌دهد. آه محمد ادامه داد: در صورت حمایت مالی و اختصاص وام به هنرمندان جهت تهیه مواد اولیه می‌توان محصولات با کیفیت‌تر تولید و روانه بازار کرد البته وجود بازارچه دائمی صنایع دستی کمک زیادی به استمرار فعالیت هنرمندان این بخش می‌کند.

شهر جهانی فرهنگ‌ها در انتظار بازارچه صنایع دستی شهرستان مرزی گنبدکاووس با برخورداری از تنوع کم‌نظیر قومی و فرهنگی، آثار تاریخی شاخص و جاذبه‌های گردشگری شناخته شده از جمله گنبدقاپوس، بلندترین برج تمام‌آجری جهان، با وجود ظرفیت‌های گسترده در حوزه صنایع دستی و حضور هزاران هنرمند فعال، همچنان از داشتن بازارچه دائمی عرضه و فروش تولیدات هنرمندان محروم مانده و این مطالبه با گذشت بیش از یک دهه هنوز به سرانجام نرسیده است. به گزارش ایرنا، پیشینه تاریخی ۶ هزار ساله، تنوع زیستی اقوام و فعالیت افزون بر هفت هزار هنرمند درحوزه صنایع دستی گنبدکاووس به باور کارشناسان از بهترین ظرفیت‌های بالقوه برای عرضه و معرفی هرچه بهتر دست ساخته‌های هنری فعالان این بخش به بازارهای ملی و بین المللی، کسب درآمد و ایجاد اشتغال پایدار است که با ایجاد زیرساخت‌های مناسب از جمله احداث و راه‌اندازی بازارچه ثابت و دائمی عرضه صنایع دستی در این شهرستان ۴۰۰ هزار نفری می‌توان از مزایای آن بیش از پیش بهره برد. برخی از هنرمندان صنایع دستی گنبدکاووس، راه‌اندازی بازارچه دائمی صنایع دستی را از مهمترین نیازها و انتظارات فعالان این بخش از مسولان متولی بویژه میراث فرهنگی، فرمانداری، شهرداری و نهادهای حاکمیتی دانستند و بر پیگیری جهت تحقق آن تاکید کردند.

بازارچه صنایع دستی؛ لازمه تولید، اشتغال و درآمد است

یکی از هنرمندان گنبدی با ۱۵ ساله سابقه هنری در تولیدات صنایع دستی سوزن دوزی و رودوزی سنتی، گفت: مهمترین نیاز یک هنرمند از فعالیت و تولید صنایع دستی، بازار فروش است که اگر زیرساخت آن فراهم نباشد هیچ کمکی به وی و درآمد و اشتغالش نمی‌کند. فرشته مهماندوست افزود: هنرمند اگر در شرایط اقتصادی فعلی، پول کافی هم برای تولید داشته باشد اما بازاری برای عرضه و فروش نداشته باشد هیچ فایده‌ای جز تلمبار شدن تولیدات روی هم عایدش نخواهد شد. مدیر خانه صنایع دستی گنبدکاووس با اشاره به سبقه تاریخی و فرهنگی گنبدکاووس و تنوع اقوام ساکن در آن، اضافه کرد: این شهرستان با این مزایا و تنوع تولیدات صنایع دستی اقوام از یک سو و گردشگر پذیر بودن آن از سوی دیگر، نیاز به بازارچه دائمی برای عرضه تولیدات فعالان این حوزه دارد. مهماندوست ادامه داد: بیشتر هستند که با فعالیت در این حوزه، علاوه بر تامین مایحتاج زندگی و کمک به اقتصاد خانواده، به احیای صنایع دستی قوم خود و انتقال آن به نسل‌های آینده هم کمک زیادی می‌کنند. وی تاکید کرد: مسولان باید با راه‌اندازی یک بازارچه دائمی صنایع دستی در گنبدکاووس که سال‌هاست قول آن را داده‌اند، حمایت عملی از فعالان این حوزه داشته باشند.

صنایع دستی، هویت اقوام است

یکی دیگر از هنرمندان صنایع دستی گنبدکاووس هم گفت: هنر سوزن دوزی و رودوزی سنتی را از مادرش و مادرش هم از مادر بزرگش یاد گرفته و نسل به نسل به فرزندان آموزش داده و منتقل می‌کنند و همه باید